



«نسبیت در فهم معنای متن» با دلایل عقلی و وحیانی قابل نقد است

یکی از مباحث هرمنوتیک که به صورت ناصواب مورد توجه قرار گرفته و توسط برخی از نواندیشان نیز تصدیق شده است، خداحافظی متن با مؤلف است که زمینه بحث نسبیت فهم‌ها را فراهم می‌آورد و این امر هم به دلایل عقلی (فلسفی و کلامی) و هم دلایل وحیانی قابل نقد است.

یکی از مباحث هرمنوتیک که به صورت ناصواب مورد توجه قرار گرفته و توسط برخی از نواندیشان نیز تصدیق شده است، خداحافظی متن با مؤلف است که زمینه بحث نسبیت فهم‌ها را فراهم می‌آورد و این امر هم به دلایل عقلی (فلسفی و کلامی) و هم دلایل وحیانی قابل نقد است.

حجت‌الاسلام والمسلمین علی نصیری، مدیر مؤسسه معارف وحی و خرد و عضو هیئت علمی دانشگاه علم و صنعت ایران، در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، در بیان سیر پیدایش جریان‌های فهم متن در دنیای غرب و جهان اسلام گفت: در تاریخ فلسفه غرب از حدود 600 سال پیش از میلاد مسیح تاکنون، در حوزه معرفت‌شناسی سه اتفاق و تحول عظیم رخ داده است.

مدیر مؤسسه معارف وحی و خرد افزود: تا قبل از دوره کانت تمام توجه اندیشمندان غرب در حوزه معرفت‌شناسی معطوف به چگونگی شناخت جهان خارج بوده و این‌که آیا اساساً جهان خارج حقیقت و واقعیت دارد یا توهم است و در صورت واقعیت داشتن، ما چگونه می‌توانیم به واقعیت و حقیقت آن دست بیابیم. در این دوره در واقع، گزاره‌هایی را که متن حقیقت و خارج بود، به عنوان امر معنادار می‌پذیرفتند و بحث اصلی بر سر صدق و کذب این گزاره‌ها بود.

نصیری ادامه داد: دوره دوم رویکرد معرفت‌شناختی در غرب از روزگار کانت و تقریباً از سده 18 میلادی آغاز می‌شود و مسئله از جهان خارج، به ذهن منتقل می‌شود؛ یعنی ما به جای منطبق کردن ذهن خود با خارج، باید جهان خارج را منطبق با ذهن کنیم. پس از این دوره، مباحث معرفت‌شناسی غالباً در مقوله معرفت‌شناسی به بعد ذهنی بیشتر جهان خارج پرداخته می‌شود.

وی دوره هرمنوتیک را سومین تحول اساسی کوپرنیکی در حوزه معرفت‌شناسی خواند و اظهار کرد: در این دوره این مسئله مورد بحث قرار می‌گیرد که اساساً ما فارغ از قضیه خارج و ذهن، باید نگاه خود را بر روی مقوله زبان و متن متمرکز کنیم. انسان بر اساس دو بستر زبان و متن با مخاطب ارتباط برقرار می‌کند و تنها راهی که ما می‌توانیم اندیشه‌های خود را منتقل و اندیشه‌های دیگران را کسب کنیم، راه زبان و متن است.

علی نصیری:

دانش هرمنوتیک به صورت‌های دیگری بدون داشتن این نام‌ها و عناوین در مطالعات اندیشوران مسلمان در طول این 14 سده مورد توجه بوده و ما دانش فهم و تفسیر را از آغاز داشته‌ایم؛ با این تفاوت که غربیان یک شکل و نمایه و ساختار جدیدی بدان داده‌اند و و برخی نیز فریفته شده و تصور می‌کنند که دانش جدیدی از سوی آنان تولید شده است مؤلف کتاب «؛رابطه قرآن و سنت» عنوان کرد: اندیشمندان غربی در دوره هرمنوتیک به این نتیجه رسیدند که ما باید بر روی دو ساخت زبان و متن متمرکز شویم و مقولات مربوط به این دو حوزه را واکاوی کنیم. خود هرمنوتیک را به سه دوره کلاسیک، مدرن و معاصر تقسیم می‌کنند و از شلایر ماکسر (1767 – 1834) به عنوان پدر این علم یاد می‌کنند.

نصیری ادامه داد: اندیشه‌های هرمنوتیکی پس از مطرح شدن از سوی شلایرماخ بعدها توسط کسانی چون هایدگر و گادامر ادامه و بسط پیدا می‌کند. سخن اصلی و اساسی آنان این است که ما در معرفت‌شناسی بر زبان و متن متمرکز شویم. در حوزه مباحث زبان، نظریه ویتگنشتاین فیلسوف آلمانی با عنوان نظریه «؛بازی زبانی» مطرح می‌شود و بر این مسئله تأکید می‌کند که ما باید با مدنظر قرار دادن تفاوت زبان دین با زبان علم (فیزیک و شیمی) وارد فهم شویم.

مدیر مؤسسه معارف وحی و خرد با اشاره به برخی دیگر از مباحث هرمنوتیکی مطرح شده مانند جهان‌شناخت مؤول یا مفسر یا مسئله تاریخمندی متن تصریح کرد: به عبارت ساده‌تر باید گفت که هرمنوتیک، که از آن به دانش فهم متن یاد می‌کنند، در یک نگاه وسیع‌تر در بعد معرفت‌شناختی بر این نکته تأکید می‌کند که باید از زاویه متن و زبان به ساخت فهم و درک انسان‌ها راه یافت؛ این دانش در یک شعاع محدودتر در خدمت فهم متون مقدس (تورات و انجیل) قرار گرفت.

این محقق و پژوهشگر عنوان کرد: به عبارت دیگر عده‌ای از اندیشوران در تعامل و برخورد مقوله دین و علم بحثی با عنوان دانش فهم متن یا هرمنوتیک را بنیان نهاده و توسعه دادند و مدعی شدند که ما از این دانش برای فهم متون مقدس می‌توانیم کمک بگیریم. البته این امر معطوف به اشکالات و دشواری‌هایی بود که آنان در فهم متون با آن مواجه بودند که از جمله آن‌ها بحث تعارض برخی از آموزه‌های کتاب مقدس با علم بود.

نصیری ادامه داد: غرض از طرح این مسئله آن بود که گفته شود اساساً مسئله هرمنوتیک، به عنوان سومین انقلاب تفکر در تاریخ فلسفه غرب و به عنوان دانشی که برای فهم متن به معنای عام کلمه و فهم متن مقدس به معنای خاص تولید شد، اساساً برخاسته و برآیند تحولات فلسفی و عقلانی در جهان غرب و نه جهان اسلام است و ما در جهان اسلام برای فهم متن دینی، پدیده‌ای به نام تفسیر داریم.

مؤلف کتاب «#راز جاودانگی قرآن» در تشریح جریان تفسیر در جهان اسلام خاطرنشان کرد: تفسیر، اعم از تفسیر قرآن و تفسیر روایات (فقه الحدیث)، از خود دوره پیامبر (ص) شروع می‌شود و ایشان خود نخستین آغازگر روش تفسیر و فهم قرآن است؛ چه مواردی که ایشان از خداوند و جبرئیل برای فهم برخی از آیات کمک می‌گیرند یا مواردی که خود شخصاً به تفسیر و تبیین قرآن می‌پردازند.

عضو هیئت علمی دانشگاه علم و صنعت افزود: پس از پیامبر (ص) این روند توسط اهل بیت (ع)، صحابه، تابعان و سپس علمای اسلام دنبال می‌شود و میراث تفسیری بسیار گرانسنگی در اختیار مسلمانان قرار می‌گیرد؛ بنابراین ما اساساً نباید این سیر ادوار تاریخی هرمنوتیک را که خاستگاه آن تحولات فلسفی و عقلانی در جهان غرب است، منطبق بر رویدادهای جهان اسلام کنیم.

نصیری تصریح کرد: جریان هرمنوتیک با آن که دانشی غربی بود، چه در بعد فلسفه محض و چه در بعد فهم متون مقدس، وارد جهان اسلام شد و در آن مورد توجه قرار گرفت. این دانش مانند بسیاری از مباحث دیگر علوم انسانی با تمام نکات مثبت و منفی خود وارد جهان اسلام شد و زدایش و پالایش لازم نسبت بدان اتفاق نیفتاد.

نکات قابل استفاده هرمنوتیک

مدیر مؤسسه معارف وحی و خرد در بیان برخی از نکات مثبت و قابل استفاده دانش هرمنوتیک تصریح کرد: در دانش هرمنوتیک بحث‌های مفید و قابل استفاده‌ای وجود دارد؛ از جمله این که برای فهم یک متن باید خود را به تاریخ صدور متن یا به جهان‌شناخت و افق دید مؤلف نزدیک کنیم. این یکی از ایده‌هایی است که در برخی از رویکردهای هرمنوتیکی مطرح است و مفسران ما نیز آن را مورد توجه قرار داده‌اند. اساساً این که در تفسیر قرآن و حتی روایات بحثی با عنوان اسباب نزول یا اسباب صدور داریم، برای آن است که ما به فضای نزول و صدور آیات و روایات پی ببریم.

علی نصیری:

برخی از هرمنوتیست‌ها به اشتباه مدعی شده‌اند که ما نمی‌توانیم معانی و مفاهیم متن را از یک دوره تاریخی خاص به دوره‌های دیگر تسری دهیم و بحث تاریخ‌مندی قرآن نیز که برخی از نواندیشان دینی آن را مطرح کرده‌اند، از همین جا پدید آمده است. وی در تشریح این مطلب ادامه داد: برای مثال مفسران این که تأکید می‌کنند که برای فهم معنای یک آیه باید واژه‌های آیه را بر اساس منابع اصیل و اولیه لغت واکاوی کرد، به جهت آن است که ما به تاریخ صدور و فرهنگ آن دوره توجه کرده و ببینیم که در روزگار نزول، این واژه‌ها به چه معنایی به کار می‌رفته‌اند.

نصیری ادامه داد: سخن گادامر درباره چرخه یا دایره هرمنوتیکی مطلب درستی است؛ بدین معنا که هر مؤول یا مفسر با یک پیش‌انگاری وارد یک متن می‌شود، اما از آنجا که متن ساکت و صامت نیست و می‌تواند آرام‌آرام تفکرات آن مؤول و مفسر را بازسازی کند یا تفکری را نقد کرده و آن را توسعه بدهد یا تضییق کند و ما اساساً در فرآیند تفسیر و فهم قرآن نیز با این مسئله مواجهیم. برای مثال کسی ممکن است با دید جبرگرایانه وارد آیات شود، ولی متن می‌تواند نظر او را برگرداند و او را متوجه کند که در آیات بر بحث اختیار آدمی تأکید شده است.

نکات ناصواب هرمنوتیک

وی در ادامه با اشاره به برخی از نکات منفی و ناصواب دانش هرمنوتیک خاطرنشان کرد: برخی از مباحث هرمنوتیک نیز به صورت ناصحیح و ناصواب مورد توجه قرار گرفته و در فضای دینی و قرآنی راه یافته‌اند و متأسفانه توسط برخی از نواندیشان نیز تصدیق شده‌اند. از جمله این موارد خداحافظی متن با مؤلف یا پدیدآورنده خود است؛ بدین معنا که ارتباط پدیدآورنده با متن تنها در پدید آوردن آن محدود می‌شود و پس از پدید آمدن متن و قرار گرفتن آن در بستر تاریخ برای مخاطبان مختلف، هر مخاطبی در هر دوره تاریخی حق دارد که فهم خود از متن را مورد نظر قرار بدهد.

عضو هیئت علمی دانشگاه علم و صنعت با بیان این‌که این نظریه زمینه بحث نسبیت فهم‌ها را فراهم می‌آورد، ادامه داد: برخی از هرمنوتیست‌ها از رهگذر این موضوع گفته‌اند که ما به تعداد انسان‌ها و مخاطبان مختلف در دوره‌های مختلف فهم‌های متعدد و متکثر داریم و همه آن فهم‌های متکثر می‌توانند درست باشند. بدیهی است که این ادعا بسیار خطا و اشتباه بوده و هم به دلایل عقلی (فلسفی و کلامی) و هم دلایل وحیانی قابل نقد است. زیرا ما معتقدیم که يك معنا یا معانی خاص طولی مد نظر صاحب این سخن بوده و مفسر باید خود را به آن‌ها برساند.

وی در بیان یکی دیگر از اشتباهات اندیشمندان هرمنوتیک عنوان کرد: برخی از هرمنوتیست‌ها به اشتباه مدعی شده‌اند که ما نمی‌توانیم معانی و مفاهیم متن را از يك دوره تاریخی خاص به دوره‌های دیگر تسری دهیم و بحث تاریخ‌مندی قرآن نیز که برخی از نواندیشان دینی آن را مطرح کرده‌اند، از همین جا پدید آمده است. بر مبنای این تفکر که از سوی کسانی چون حامد ابوزید مطرح شده است، پدیده‌های چون قصاص، دیات، حجاب، جهاد و امثال اینها مربوط به عصر نزول قرآن است و در دوران ما که شرایط تغییر یافته، می‌توانیم این احکام را به عنوان احکام عرضی دیم کنار بگذاریم.

مدیر مؤسسه معارف وحی و خرد با اشاره به این‌که هرمنوتیک هم می‌تواند پرچمدار برخی از تفکرات درست و مفید در حوزه مطالعات قرآنی و دینی و هم حامل برخی از ایده‌های ناصواب باشد، تصریح کرد: در مجموع دانش هرمنوتیک مانند بسیاری از دانش‌های جدید امروز مانند فلسفه تحلیل زبان و مباحث نشانه‌شناسی به صورت‌های دیگری بدون داشتن این نام‌ها و عناوین در مطالعات اندیشوران مسلمان در طول این 14 سده مورد توجه بوده و ما دانش فهم و تفسیر را از آغاز داشته‌ایم؛ با این تفاوت که غربیان يك شکل و نمایه و ساختار جدیدی بدان داده‌اند و و برخی نیز فریفته شده و تصور می‌کنند که دانش جدیدی از سوی آنان تولید شده است.